

معناشناسی روایی مفردات قرآن نزد پژوهان امامیه؛ رهیافت‌ها و نمونه‌ها

علی راد^۱ - حامد دهقانی فیروزآبادی^۲

چکیده

«معناشناسی روایی» رویکردی معناشناختی است که گذشته از احتجاج به روایات لغوی (روایاتی که در آن‌ها معنای یک واژه تبیین شده است)، تمامی احادیث اهل بیت علیهم‌السلام را به عنوان منبعی از کاربردهای اصیل زبان عربی، مورد تحقیق قرار داده و به آن‌ها احتجاج می‌کند. ارزیابی رهیافت قرآن پژوهان امامیه به این رویکرد، مسئله اصلی این جستار است. بررسی فعالیت‌های معناپژوهی قرآن پژوهان امامیه نشان از آن دارد که ایشان، اعم از فقها، مفسران و لغویان، غالباً رهیافتی همسو و همدل با روایات لغوی داشته‌اند و در بیشتر مواردی، که به روایتی لغوی دست یافته‌اند، از آن یاد کرده و در صورت تعارض روایت با اقوال لغویان، تعارض را حل کرده و یا دیدگاه روایی را ترجیح داده‌اند. گرچه در گوشه و کنار آثار قرآن پژوهان امامیه می‌توان نشانه‌هایی از احتجاج به کاربردهای روایی واژگان قرآن را یافت؛ اما در مجموع ایشان به علت دشواری این شیوه نتوانسته‌اند، از آن بهره چندانی ببرند. در این میان سه واژه پژوه بزرگ شیعه، سید نورالدین جزایری، سید علی اکبر قرشی و علی کورانی عاملی، توجه بسیاری به این رویکرد داشته‌اند.

۱. دانشیار گروه الهیات، دانشگاه پردیس فارابی تهران (نویسنده مسئول). ali.rad@ut.ac.ir

۲. طلبه درس خارج حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث در پردیس فارابی دانشگاه تهران. hdf.dehghani@gmail.com

کلیدواژه‌ها: معناشناسی قرآن، معناشناسی روایی، حجیت قول لغوی، فروق اللغات، قاموس قرآن، مفردات راغب.

۱. طرح مسئله

با کم‌کاری برخی از قاموس‌نویسان عربی در بیان کاربردهای گوناگون و افزایش و مرزبندی معنای دقیق واژگان، معناشناسی مفردات قرآن کریم سخت‌نیازمند دسترسی به مجموعه‌ای از کاربردهای اصیل زبان عربی است، که از طریق آن بتوان به ظرایف معنایی واژگان دست یافت. برای حل این مشکل، برخی بازپژوهی منابع ادبی پیش از اسلام؛ مانند اشعار جاهلی را در دستور کار خود قرار داده‌اند و برخی دیگر، برپایه معناشناسی تاریخی، کاوش در منابعی چون کتاب مقدس و زبان‌های مادری زبان عربی را پیشنهاد داده‌اند و دیگران نیز، خود قرآن را پاسخ‌گوی نیازهای معناشناختی خود دانسته‌اند. اینان با ایجاد شبکه‌های معنایی برای واژگان پرکاربرد قرآن، در پی فهم دقیق‌تر واژه برآمده‌اند.

در کنار تمامی این روش‌ها و رهیافت‌ها، واکاوی احادیث ذریه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دروازه‌ای مطمئن و گاه کارآمدتر از دیگر منابع ادبی است که از طریق آن می‌توان به معانی حقیقی کتاب الهی راه یافت. از یک سو، بسیاری از مفردات قرآن کریم به وسیله اهل بیت علیهم السلام در «روایات لغوی» شرح و تبیین شده است و از سوی دیگر، واژگان قرآن در سخنان راسخان در علم، بارها و بارها در موقعیت‌ها و شکل‌های زبانی گوناگون، به بهترین وجه به کار بسته شده است؛ چنان‌که واکاوی و تحلیل این کاربردهای بی‌شمار یک واژه، زمینه را برای واژه‌پژوه قرآنی فراهم می‌سازد تا با استواری و اطمینان به زوایای پنهان معنای واژه راه یابد.

نگارندگان جستار، پیش‌تر در پژوهشی با عنوان «معناشناسی روایی قرآن، چیستی و مبانی اعتبار» نشان داده‌اند که سخنان اهل بیت علیهم السلام به‌عنوان مفسران راستین قرآن، پاکان از گناه و خطا و نیز آشناترین کسان به فصاحت و بلاغت زبان عربی، در معناشناسی قرآن کریم از نظر ادبی ارزشمند و راهگشا بوده و در مقایسه با منابعی؛ چون واژه‌نامه‌ها و اشعار جاهلی از ارزش ادبی و اعتبار صدوری بیشتری برخوردار است.

بر پایه همین نگاه به ارزشمندی و اعتبار معناشناسی روایی، تفسیر روایی کهن‌ترین نظریه در میان نظریه‌های گوناگون تفسیری قرآن بوده است؛ در واقع روایات لغوی همواره پیش روی قرآن پژوهان امامیه قرار داشته است و نشانه‌هایی از احتجاج لغوی به روایات اهل بیت علیهم‌السلام از دیرباز در گوشه و کنار آثار امامیه به چشم می‌خورد.

مسئله پیش روی جستار، بررسی میزان گرایش و اتکای مفسران، فقیهان و لغویان شیعه به روایات اهل بیت علیهم‌السلام در راستای معناشناسی مفردات قرآنی است. دانشوران بزرگ شیعه تا چه حد به دیدگاه‌های لغوی مطرح در روایات توجه داشته‌اند؟ در صورت تعارض بین دیدگاه روایی و اقوال مطرح در قاموس‌ها، کدام یک را برگزیده‌اند؟ آیا عرصه علمی دانشور، در میزان گرایش وی به روایات تأثیری داشته است؟ در طول تاریخ شیعه رهیافت‌های روایی دانشمندان هنگام معناپژوهی چه تغییراتی داشته است؟ گرچه پاسخ به این‌گونه پرسش‌ها به بررسی‌های دقیق و گسترده نیازمند بوده و پژوهش‌هایی مستقل را می‌طلبد، فراخور گنجایش جستار می‌توان به تصویری کلی از رهیافت‌های اندیشه‌وران به روایات لغوی، دست یافته و دست‌کم درباره برخی جنبه‌های این موضوع داوری کرد.

فرضیه اولیه آن است که قرآن پژوهان امامیه در فعالیت‌های معناپژوهی خود، گاه این منبع روایی را بر دیگر منابع لغوی مقدم داشته‌اند.

۱-۱. مفهوم‌شناسی

«روایت لغوی»: روایتی است که در آن، معنای یک واژه شرح و تبیین شده است. این‌گونه روایات برخلاف روایات تفسیری به بیان مدلول جمله یا آیه نپرداخته و محدود به دلالت معنایی واژه یا مصطلح قرآنی است. (راد، ۱۳۹۳: ۲۱) «احتجاج به روایات لغوی» رویکردی رایج در معناشناسی است که از همان عصر حضور اهل بیت علیهم‌السلام با اهتمام ویژه ایشان و نیز باور یاران‌شان به مرجعیت اهل بیت علیهم‌السلام در فهم قرآن، رویکردی مورد توجه بوده و مجموعه‌ای عظیم از این‌گونه روایات فراهم آمده است. (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۳۱۲).

احتجاج به روایات اهل بیت علیهم‌السلام در معناشناسی قرآن، تنها به روایات لغوی محدود

نمی‌شود؛ بلکه رویکرد دیگر، «احتجاج به کاربردهای روایی» و برداشت معنا از طریق استعمال‌ها و کاربردهای یک واژه در سخنان اهل بیت علیهم‌السلام است؛ یعنی درست همان شیوه رجوع به کاربردهای یک واژه در قرآن، شعر جاهلی و یا احادیث نبوی که ابعاد معنایی واژه را آشکار می‌سازد.

براین اساس آنچه را «معناشناسی روایی» نامیده‌ایم، رویکردی معناشناختی است، که افزون بر بهره‌مندی از روایات لغوی، تمامی احادیث اهل بیت علیهم‌السلام را به عنوان منبعی از کاربردهای اصیل زبان عربی مورد تحقیق قرار می‌دهد.

در این جستار، از واژه «قرآن‌پژوه» معنایی عام‌تر از «مفسر» اراده شده است و هر اندیشه‌ور؛ اعم از فقیه، لغوی، مفسر و... از آنجا که جنبه‌ای از فعالیت خود را به فهم معانی قرآن اختصاص داده است، قرآن‌پژوه شمرده شده است.

گفتنی است «رویکرد» (Approach) جهت‌گیری نسبت به یک پدیده از جنبه‌ای (Perspective) خاص است (ملکیان، ۱۳۸۰: ۲۷۳) و «رهیافت» (Attitude) راه پرداختن به یک مسئله یا موقعیت یا شیوه تفکر درباره آن است. (معین ذیل «رهیافت») رهیافت همواره «شخصی» است؛ اما رویکرد گاهی شخصی است و گاه به معنای رویکرد تاریخی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و غیره به کار می‌رود. (ملکیان، ۱۳۸۰: ۲۷۳)

۱-۲. پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های درخوری پیرامون روایات لغوی انجام شده است، که از آن جمله کلان‌پروژه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم است. این پژوهش در قالب پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد، روایات اهل بیت علیهم‌السلام با دیدگاه‌های اهل لغت در مفردات قرآن، مورد ارزیابی تطبیقی قرار داده است.

نمونه مشابه این کلان‌پروژه، سه پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه قرآن و حدیث است که به گردآوری تمامی روایات تفسیری-لغوی اهل بیت علیهم‌السلام و روش‌شناسی آن‌ها پرداخته است. مشخصات این سه پایان‌نامه از این قرار است: «تفسیر لغوی معصومان علیهم‌السلام

در ده جزء اول قرآن و روش شناسی آن» از عادلہ کوهی؛ «تفسیر لغوی معصومان علیہم السلام در ده جزء دوم قرآن و روش شناسی آن» از زینب فراهانی و «تفسیر لغوی معصومان علیہم السلام در ده جزء آخر قرآن کریم و روش شناسی آن» از فهیمه سادات کوهی.

مقاله‌های «تفسیر لغوی و ادبی قرآن از منظر روایات معصومان علیہم السلام»، از علی احمد ناصح، «گونه‌شناسی تبیین واژگان دینی در روایات معصومان علیہم السلام» از مجید معارف و ابوالقاسم اوجاقلو و سه مقاله «بررسی تطبیقی معنای واژه‌های قرآنی در روایات امامیه و فرهنگ‌های واژگانی»، «نقش روایات امامیه در معادل‌گزینی مفردات قرآنی و بازتاب آن در نقد ترجمه‌های معاصر قرآن کریم» و «البحث عن المناهج الجديدة الدلالية في المنابع التفسيرية الإمامية» نوشته سید محمد رضا میرسید و محمد رضا حاج اسماعیلی نیز نمونه‌های دیگری از این‌گونه پژوهش‌ها است که روایات لغوی اهل بیت علیہم السلام را تعریف، گونه‌شناسی و کارکردشناسی کرده است.

تمام پژوهش‌های یادشده، ناظر به رویکردی در معناشناسی روایی است که تنها روایات لغوی را مورد پژوهش قرار می‌دهد. اما در زمینه رویکرد دیگری - که مطابق آن به تمام روایات به مثابه کاربردهای اصیل زبان عربی نگریسته شده و قابلیت احتجاج لغوی به آن‌ها دارد - هیچ‌گونه پژوهش جدی و مستقلی منتشر نشده است.

۲. رهیافت قرآن پژوهان امامیه به رویکرد معناشناسی روایی

برای ارزیابی عملکرد قرآن پژوهان امامیه نسبت به رویکرد معناشناسی روایی، نخست به مدد روش «تحلیل محتوای کمی» (رایف، ۱۳۸۵: ۲۵؛ هولستی، ۱۳۸۰: ۲۱) به واکاوی رهیافت قرآن پژوهان امامیه به روایات لغوی اهل بیت علیہم السلام پرداخته می‌شود و پس از آن با تمرکز بر کار سه تن از سرآمدان احتجاج لغوی به کاربردهای زبانی موجود در روایات اهل بیت علیہم السلام و یادکرد برخی نمونه‌های آن، جستار به پایان می‌رسد. گزینش این سه تن، پس از استقرای نوشته‌های مهم امامیه در حوزه لغت پژوهی و پی‌جویی رهیافت هر یک از آن‌ها به رویکرد احتجاج لغوی به روایات اهل بیت علیہم السلام صورت گرفته است.

۲-۱. احتیاج به روایات لغوی

جامعه آماری در این بررسی شامل مفسران، فقیهان و لغویانی بوده است که گذشته از سرآمد بودن در آن دانش، به بیشتر ابواب و موضوعات علمی پرداخته و نیاز ما را در فهم نگاه لغوی خود بی‌پاسخ نگذاشته‌اند. گذشته از این دو معیار، تلاش شده است گزینه‌های مورد مطالعه، دوره‌های گوناگون تاریخ این علوم را پوشش دهد. از میان تفاسیر، التبیان، مجمع البیان، المیزان، تسنیم، نمونه و الفرقان، از میان آثار فقهی، مجموعه تالیفات فقهی شیخ طوسی، ابن ادریس، محقق حلی، علامه حلی، شهید ثانی، صاحب حدائق، صاحب جواهر و آیت الله خویی و از میان واژه‌نامه‌ها مجمع البحرین، الطراز، التحقیق، قاموس قرآن و حاشیه کورانی بر مفردات برگزیده شده است.

از میان شش مفسر امامی منتخب، همگی توجهی ویژه به روایات اهل بیت علیهم‌السلام داشته و در جای جای آثار ایشان، احادیث و یا اقوال منسوب به آن بزرگواران به چشم می‌آید که البته بخشی از این احادیث را روایات لغوی تشکیل می‌دهد.

جدول (۱) برآوردی تقریبی از میزان انعکاس روایات اهل بیت علیهم‌السلام در این تفاسیر و

به تبع آن روایات لغوی را به دست می‌دهد:

جدول (۱). آمار روایات منقول از حضرت صادق علیه‌السلام در تفاسیر شیعه^۱

الفرقان	نمونه	تسنیم	المیزان	مجمع البیان	التبیان
۲۴۰۰	۹۵۰	۱۲۷۶ ^۲	۱۵۵۰	۷۸۰	۱۵۰

۱. این آمار با جست و جوی چهار کلیدواژه «أبو عبد الله»، «أبی عبد الله»، «الصادق / صادق» و «جعفر بن محمد علیه‌السلام» در این تفاسیر و پس از حذف یافته‌های نامطلوب به دست آمده. اعداد یادشده نیز اندکی تقریبی است. بی‌شک این آمار، حداقلی است؛ چراکه احادیث منقول از حضرت صادق علیه‌السلام گاه بدون انتساب به ایشان و با تعبیری همچون «وفی الحدیث»، «عن أهل البيت علیهم‌السلام»، «مروری عن الأئمة» و مانند آن نقل شده است.

۲. البته این آمار تنها مربوط به ۱۵ جلد از تفسیر تسنیم است و با توجه به برآورد ۸۰ جلدی برای این تفسیر عظیم، تعداد احادیث امام صادق علیه‌السلام در تمام این تفسیر را می‌توان حدود ۶۸۰۰ حدیث پیش‌بینی کرد.

گذشته از اشارات مستقیم به روایات، گاه برداشت‌های مفسران ریشه در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام داشته است که بدون اشاره صریح به روایت، تنها به استوار ساختن دیدگاه روایی پرداخته‌اند؛ به عنوان نمونه علامه طباطبایی رحمته‌الله ذیل آیه مبارکه «وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَاْرِدْهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا» (مریم / ۷۱) برخلاف دیدگاه مشهور مفسران که واژه «وارد» را به معنای «دخول در جهنم» دانسته‌اند، این واژه را به «اشراف بر جهنم و حضور در کنار آن» معنا کرده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴ / ۸۹) علامه در بحث خود به روایتی از اهل بیت علیهم‌السلام استناد نمی‌کند و تنها می‌کوشد این دیدگاه را موافق با کاربرد اهل زبان نشان دهد؛ اما یادکرد حدیثی مؤید این دیدگاه در مجموعه روایات پایان بحث،^۱ نشانگر منشأ این برداشت مخالف مشهور است. این شیوه در بیشتر مواردی، که دیدگاه المیزان با دیدگاه روایی مطابقت دارد، دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که علامه بدون اشاره به روایات اهل بیت علیهم‌السلام، دیدگاه ایشان را برمی‌گزیند. از نمونه‌هایی که در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد، واژه‌های «قرء»، «انفال»، «مسکین»، «کعب»، «غنیمت»، «موقوت» و «الحج الکبر» این گونه‌اند. چنین شیوه‌ای را نزد دیگر مفسران امامیه نیز می‌توان دید؛ مثلاً در تفسیر تسنیم درباره سه واژه «قرء»، «کعب» و «غسق» بدون هیچ اشاره‌ای، دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام پذیرفته شده است.

ارائه آماری هرچند نادقیق از میزان گرایش فقیهان و لغویان شیعه به روایات لغوی اهل بیت علیهم‌السلام کاری دشوار است؛ چرا که از یک سو منبع اصلی فعالیت‌های علمی فقها، روایات اهل بیت علیهم‌السلام بوده است و با توجه به متفاوت بودن حجم این آثار و ابواب فقهی پرداخته شده به آن‌ها، ارائه آماری از روایات منعکس شده در تألیفات فقهی نمی‌تواند برآوردی از رویکرد فقیهان به روایات لغوی باشد و از سوی دیگر، بخش عمده روایات نقل شده در واژه‌نامه‌ها نیز به منظور شرح مفردات و واژگان غریب آن‌ها بوده است و نه برای

۱. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَاْرِدْهَا» قَالَ: أَمَا تَسْمَعُ الرَّجُلَ يَقُولُ وَرَدْنَا مَاءَ بَيْتِي فَلَانَ فَهَوَ الْوُرُودُ وَلَمْ يَدْخُلْهُ». (قمی، ۱۴۰۴: ۲ / ۵۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴ / ۹۲)

حل اختلافات لغوی؛ از این رو داوری درباره چگونگی رهیافت فقیهان و لغویان به واکاوی آثار ایشان از آغاز تا پایان نیازمند است.

با توجه به این مشکل، در اینجا شیوه‌ای دیگر در پیش گرفته شده است، که از رهگذر آن بتوان به برآوردی هرچند کلی از عملکرد قرآن پژوهان در معناشناسی روایی دست یافت. بدین منظور واژگانی شناسایی شده‌اند که لغت‌نامه‌های عربی، پیرامون آن‌ها دیدگاه‌هایی ناسازگار با دیدگاه روایی بیان کرده‌اند و سپس با پی‌جویی نظرات اندیشه‌وران شیعه درباره این واژگان، میزان اعتماد ایشان به روایات اهل بیت علیهم‌السلام در معناشناسی سنجیده شده است. در این تحلیل محتوا، نخست هفت واژه فقهی قرء، أنفال، إحصار، مسکین، کعب، غنیمت و غسق را مورد بررسی قرار داده و دیدگاه مفسران، فقیهان و لغویان درباره آن‌ها با دیدگاه روایی مقایسه شده است. سپس برای دستیابی به یافته‌هایی بیشتر و تحلیل‌هایی دقیق‌تر، دیدگاه مفسران و لغویان درباره پنج واژه موقوت، موقوذة، الحج الأكبر، شاکلة و حرج نیز پیش چشم قرار گرفته است. فقیهان درباره پنج واژه اخیر، کمتر اظهار نظر کرده‌اند؛ بنابراین از پرداختن به آن‌ها در این قسمت صرف نظر شده است. جداول (۲) و (۳) دیدگاه‌های هریک از قرآن پژوهان پیش گفته را در مقایسه با دیدگاه‌های روایی نشان می‌دهد.

کدگذاری‌ها در این تحلیل محتوای کمی، از این قرار است: در صورتی که دیدگاهی با روایات اهل بیت علیهم‌السلام مطابقت داشته باشد با عدد یک (۱) مشخص شده است و در صورت عدم مخالفت با عدد صفر (۰). اگر اندیشه‌وری تنها به دیدگاه روایی در میان اقوال موجود در مسئله اشاره کرده و دیدگاهی را برنگزیده باشد، عدد نیم (۰/۵) بدان اختصاص یافته و چنانچه اصلاً به معناشناسی واژه مورد نظر نپرداخته باشد با علامت (-) مشخص شده و در ارزش‌گذاری‌ها دخیل نشده است. برپایه همین ارقام ارزشی، برای هر واژه و نیز برای هر اندیش‌ور، «درصد موافقت» با دیدگاه روایی را محاسبه نموده، سپس یافته‌های این جدول‌ها تحلیل شده است.

جدول (۲). رویکرد قرآن پژوهان شیعه به روایات لغوی

درجه و روایت	لغویان					فقیهان							مفسران							
	کربلایی	مهمانی	زیدی	مدنی	طبریزی	طبرسی	صاحب جزایر	صاحب حدائق	شهید ثانی	علامه حلی	محقق حلی	ابن ادریس	طبرسی	صادق بحرانی	مکارم جزایری	جوادی آملی	طباطبایی	طبرسی	طبرسی	
قره ^۱	-	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱
انفال ^۲	-	۰	۱	-	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
احصار ^۳	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
مسکین ^۴	۱	۰	۰	-	۱	۱	۱	۱	۱	۰/۵	۰	۰/۵	۰	۰	۱	۱	۱	۰/۵	۰	۰

۱. دیدگاه روایی: طهر. (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۱/۵۵۱)؛ دیدگاه لغوی: حیض و طهر. ارجاعات به ترتیب: (طوسی، ۱۳۷۶: ۲/۲۳۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/۵۷۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲/۲۳۰؛ جوادی، ۱۳۷۸: ۱۱/۲۵۲؛ مکارم، ۱۳۷۴: ۲/۱۵۳؛ صادقی، ۱۳۶۵: ۴/۲۳؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۵۶/۵؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۲/۷۳۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۳/۲۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۷/۲۴۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۹/۲۱۷؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۵/۴۰۰؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۳۲/۲۲۰؛ خویی، ۱۴۱۰: ۲/۲۹۸) و بقیه ذیل ریشه قره. گفتنی است لغویان شیعه مطابق با دیگر اهل لغت، هر دو معنای حیض و طهر را ذکر کرده و هیچ یک را برنگزیده‌اند؛ اما از آنجاکه در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز، گاه قره به معنای «حیض» به کار رفته است؛ مانند (کلینی، ۱۴۲۹: ۵/۲۴۲)، در اینجا دیدگاه ایشان برابر با دیدگاه روایی دانسته شد.

۲. دیدگاه روایی: اموال بدون مالک. (کلینی، ۱۴۲۹: ۲/۷۱۷)؛ دیدگاه لغوی: غنیمت جنگی. (طوسی، ۱۳۷۶: ۵/۷۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۴/۷۹۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵/۹؛ جوادی، ۱۳۷۸: ۳۲/۵۲؛ مکارم، ۱۳۷۴: ۷/۸۱؛ صادقی، ۱۳۶۵: ۱۲/۱۱۷؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۱/۲۶۳؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۱/۴۹۷؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱/۱۶۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۳/۳۳۷؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱/۴۷۳؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۲/۴۷۴؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۱۶/۱۱۵؛ خویی، ۱۴۱۸: ۲۵/۳۵۶).

۳. دیدگاه روایی: منع از طریق بیماری و مانند آن. (کلینی، ۱۴۲۹: ۸/۴۶۹)؛ دیدگاه لغوی: هر نوع مانع. (طوسی، ۱۳۷۶: ۲/۱۵۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/۵۱۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲/۷۶؛ جوادی، ۱۳۷۸: ۱۰/۳۴؛ مکارم، ۱۳۷۴: ۲/۴۲؛ صادقی، ۱۳۶۵: ۳/۱۲۸؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۱/۳۳۲؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۱/۴۵۶؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱/۲۵۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۴/۳۴۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۲/۳۸۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۶/۲؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۲۰/۱۱۱؛ خویی، ۱۴۱۸: ۲۹/۴۱۳).

۴. دیدگاه روایی: مسکین نیازمند تر از فقیر. (کلینی، ۱۴۲۹: ۷/۲۱)؛ دیدگاه لغوی: محلّ اختلاف. طوسی، ۱۳۷۶: ۱۰/۱۸۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵/۶۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹/۳۱۰؛ جوادی، ۱۳۷۸: ۳۴/۲۸۸؛

جدول (۳). رویکرد مفسران و لغویان شیعه به روایات لغوی

درصد موافقت	لغویان					تقیهان							مفسران							
	گوزانی	مصطفوی	قرنی	مدنی	طبرسی	خوبی	صاحب‌جواهر	صاحب‌حدادی	شهید ثانی	علامه حلی	محقق حلی	ابن ادریس	طوسی	صادق تهرانی	مکارم شیرازی	جوادی آملی	طباطبایی		طبرسی	طوسی
۹۴	-	۰	۱	۰/۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰/۵	۱	۱	کعب ^۱
۱۰۰	۱	۱	۱	-	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	غنیمت ^۲
۸۶	۱	۱	۰/۵	-	۰/۵	۱	۱	۱	-	۱	۱	۱	-	۱	۱	۱	۱	۱	۰	غسق ^۳
۸۳	۷۵	۴۳	۶۴	۵۰	۹۳	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۹۳	۸۶	۷۹	۵۷	۸۶	۸۶	۷۹	۷۹	۵۷	درصد موافقت	
	۶۵					۹۵							۷۴							

→

مکارم، ۱۳۷۴: ۸/ ۶؛ صادقی، ۱۳۶۵: ۱۳/ ۱۷۲؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۱/ ۲۴۶ / طوسی، ۱۴۰۰: ۱۸۴؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۱/ ۶۳۷؛ محقق حلی، ۱۴۰۷: ۲/ ۵۶۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۳/ ۱۹۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱/ ۴۰۹؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۲/ ۱۵۴؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۱۵/ ۳۰۰؛ خوبی، ۱۴۱۸: ۲۱/ ۳۹۴).

۱. دیدگاه روایی: برآمدگی روی پایا مفصل پا. (کلینی، ۱۴۲۹: ۵/ ۸۴ و ۸۵)؛ دیدگاه لغوی: قوزک پا. (طوسی، ۱۳۷۶: ۳/ ۴۵۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/ ۲۵۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵/ ۲۲۴؛ جوادی، ۱۳۷۸: ۲۲/ ۸۲؛ مکارم، ۱۳۷۴: ۴/ ۲۸۷؛ صادقی، ۱۳۶۵: ۸/ ۱۵۵؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱/ ۹۲؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۱/ ۱۰۰؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱/ ۱۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۱/ ۲۹۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۴: ۱/ ۳۳؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۲/ ۲۹۵؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۲/ ۲۱۵؛ خوبی، ۱۴۱۸: ۵/ ۱۴۷).

۲. دیدگاه روایی: اعم از غنیمت جنگی. (کلینی، ۱۴۲۹: ۲/ ۷۲۹)؛ دیدگاه لغوی: غنیمت جنگی. (طوسی، ۱۳۷۶: ۵/ ۱۲۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۴/ ۸۳۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹/ ۸۹؛ جوادی، ۱۳۷۸: ۳۲/ ۴۶۶؛ مکارم، ۱۳۷۴: ۷/ ۱۷۵؛ صادقی، ۱۳۶۵: ۱۲/ ۲۱۴؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۴/ ۱۸۱؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۱/ ۴۸۵؛ محقق حلی، ۱۴۰۷: ۲/ ۶۲۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۳/ ۳۱۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳/ ۵۰؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۲/ ۳۲۰؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۱۶/ ۵؛ خوبی، ۱۴۱۸: ۲۵/ ۵).

۳. دیدگاه روایی: نیمه شب. (کلینی، ۱۴۲۹: ۶/ ۲۶)؛ دیدگاه لغوی: ابتدای شب. (طوسی، ۱۳۷۶: ۵۰۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/ ۶۷۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳/ ۱۷۵؛ جوادی، ۱۳۷۸: ۱۱/ ۴۶۵؛ مکارم، ۱۳۷۴: ۱۲/ ۲۲۲؛ صادقی، ۱۳۶۵: ۱۷/ ۲۹۵؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۱/ ۱۹۷؛ محقق حلی، ۱۴۰۷: ۲/ ۳۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۲/ ۲۳؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۶/ ۱۷۵؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۷/ ۱۲۴؛ خوبی، ۱۴۱۸: ۱۱/ ۱۲۸).

جدول (۳). رویکرد مفسران و لغویان شیعه به روایات لغوی

درصد موافقت	لغویان					مفسران						
	کوزانی	مصطفوی	قرنی	مدنی	طریحی	صادق تهرانی	مکارم شیرازی	جوادی آملی	طباطبائی	طبرسی	طوسی	
۳۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۰/۵	موقوف ^۱
۱۸	۱	۰	۰	۰	۰/۵	۰	۰/۵	۰	۰	۰	۰	موقوذة ^۲
۶۷	-	-	۱	۰/۵	۰/۵	۰	۱	۱	۱	۰/۵	۰/۵	الحج الأكبر ^۳
۳۳	۱	۰	۰	-	۰/۵	۱	۰/۵	-	۰	۰	۰	شاکلة ^۴
۲۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	-	۰	۰	۰	حرج ^۵
۶۵	۱	۱	۱	-	۰/۵	۱	۱	۰	۱	۰	۰	لمم ^۶
۳۹	۸۳	۲۰	۳۳	۱۳	۳۳	۵۰	۶۷	۲۵	۵۰	۲۵	۱۷	درصد موافقت
	۳۶					۳۹						

۱. دیدگاه روایی: ثابت و مشخص. (کلینی، ۱۴۲۹: ۲۳/۶)؛ دیدگاه لغوی: زمان دار. (طوسی، ۱۳۷۶: ۳/۳۱۲-۳۱۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۱۵۹؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۵/۶۳؛ جوادی، ۱۳۷۸: ۲۰/۳۰۵؛ مکارم، ۱۳۷۴: ۴/۱۰۵؛ صادقی، ۱۳۶۵: ۷/ص ۳۱۲-۳۱۴).

۲. دیدگاه روایی: حیوان مریضی که درد ذبح را حس نمی کند. (عیاشی، ۱/۲۹۲)؛ دیدگاه لغوی: حیوان کشته شده با ضرب و شتم. (طوسی، ۱۳۷۶: ۳/۴۳۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۲۴۳؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۵/۱۶۵؛ جوادی، ۱۳۷۸: ۲۱/۵۶۳؛ مکارم، ۱۳۷۴: ۴/۲۵۸؛ صادقی، ۱۳۶۵: ۸/۵۲).

۳. دیدگاه روایی: یوم النحر. (کلینی، ۱۴۲۹: ۸/۲۷۰)؛ دیدگاه لغوی: محل اختلاف. (طوسی، ۱۳۷۶: ۵/۱۷۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵/۹؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۹/۱۴۹؛ جوادی، ۱۳۷۸: ۳۳/۲۳۸؛ مکارم، ۱۳۷۴: ۷/۲۸۸؛ صادقی، ۱۳۶۵: ۱۲/۳۲۶-۳۲۷).

۴. دیدگاه روایی: نیت. (کلینی، ۱۴۲۹: ۳/۴۶)؛ دیدگاه لغوی: اخلاق، طبیعت، عادت. (طوسی، ۱۳۷۶: ۳/۱۴۱۷)

۲-۱-۱. تحلیل و بررسی

بر پایه داده‌های جدول‌های (۲) و (۳)، محورهای ذیل را درباره عملکرد قرآن پژوهان شیعه در مواجهه با روایات لغوی، می‌توان برداشت کرد:

الف. موافقت بیشتر فقها با دیدگاه‌های روایی: فقها نسبت به مفسران و لغویان، بیشترین میزان موافقت با دیدگاه‌های روایی را نشان داده‌اند. این موافقت بیشتر را می‌توان ثمره سروکار داشتن فقیهان با منابع روایی و آگاهی بیشتر ایشان از دیدگاه‌های معنایی اهل بیت علیهم‌السلام دانست؛ در حالی که بر روی میز کار مفسران و به ویژه لغویان آثاری قرار داشته، که کمتر نظرات لغوی اهل بیت علیهم‌السلام در آن‌ها بازتاب یافته است. مقایسه میان شخصیت فقهی و تفسیری شیخ طوسی رحمته‌الله در جدول (۲) نیز جلوه‌ای از این رویکرد همدلانه فقها با روایات است.

ب. اولویت نسبی دیدگاه‌های روایی بر دیدگاه‌های لغویان: تمامی اندیشه‌وران شیعه در مواردی، دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام را بر اقوال اهل لغت برتری داده‌اند. درباره واژگانی همچون قرء، انفال، غنیمت و کعب، که دیدگاه روایی نزد همگان روشن و وجهه متمیزه شیعه و دیگر مذاهب به شمار می‌رفته - این برتری دادن چشمگیرتر بوده و به ندرت دانشمندی شیعی با آن مخالفت کرده است. در مقابل چنان‌که می‌توان انتظار داشت، درباره واژگانی چون موقوذه، شاکله و حرج، که دیدگاه روایی انعکاس کمتری داشته، درصد موافقت نیز بسیار

→ ۶/۵۱۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/۶۷۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳/۱۸۹؛ مکارم، ۱۳۷۴: ۱۲/ص ۲۴۶؛ صادقی، ۱۳۶۵: ۱۷/۳۱۳ - ۳۱۵).

۵. دیدگاه روایی: بدون منفذ. (بصائر الدرجات، ۱/۳۸۶)؛ دیدگاه لغوی: بسیار تنگ. (طوسی، ۱۳۷۶: ۴/۲۶۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۴/۵۶۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷/۳۴۳؛ مکارم، ۱۳۷۴: ۵/۴۳۵؛ صادقی، ۱۳۶۵: ۱۰/۲۶۹).

۶. دیدگاه روایی: گناهان گه‌گاهی (کلینی، ۱۴۲۹: ۴/۲۴۴)؛ دیدگاه لغوی: گناهان صغیره. (طوسی، ۱۳۷۶: ۹/۴۳۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۹/۲۷۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۴۲؛ جوادی، ۱۳۷۸: ۱۸/۴۵۴؛ مکارم، ۱۳۷۴: ۲۲/۵۳۷؛ صادقی، ۱۳۶۵: ۲۷/۴۴۳).

کمتر بوده است.

ج. ماهیت حاشیه‌ای دانش فقه: سیر صعودی درصد موافقت فقها در طول تاریخ، جلوه‌ای از ماهیت «حاشیه‌ای»^۱ دانش فقه است؛ به این ترتیب که مطرح شدن روایات لغوی در آثار یک فقیه برجسته، آگاهی فقیهان پس از او را در پی داشته و با توجه به اولویت دیدگاه روایی بر لغوی در نگاه فقیهان، معمولاً در معناشناسی واژه مدّ نظر، دیدگاه روایی پابرجا و ثابت می‌مانده است؛ این در حالی است، که نبود سنت حاشیه‌نویسی در دانش‌های تفسیر و لغت و تفاوت روش‌ها و مبانی مفسران و لغویان، سبب شده است که رویکرد این قرآن‌پژوهان به روایات لغوی، سیر تاریخی مشخصی نداشته باشد.

د. بیشترین و کمترین موافقت‌ها: در میان تفاسیر، تفسیر نمونه بیشترین و تفسیر الفرقان کمترین موافقت و همراهی با روایات را دارد. در میان واژه‌نامه‌ها نیز مجمع البحرین با توجه به ماهیت غریب‌الحدیثی آن، بیشترین آگاهی از روایات لغوی و در نتیجه بیشترین میزان موافقت را داشته است. در مقابل، واژه‌نامه‌ی التحقیق کمترین میزان بازتاب روایات و موافقت با آن‌ها را دارد.^۲ طرفه آنکه تفسیر الفرقان در حالی کمترین همراهی را با روایات دارد که در میان دیگر تفاسیر، بیشترین توجه را به روایات داشته است. (جدول ۱) این تفسیر در حد زیادی بر «اجتهاد» استوار است؛ از این رو جای تعجب نیست که برخلاف تمامی قرآن‌پژوهان محل بحث و اجماع فقهای شیعه، قرء را به معنای حیض بدانند و یا در مواردی دیگر؛ مانند واژه موقوت با اشاره به روایات ذیل آن، سرانجام نظری جز آن را برگزینند. البته این توجه به روایات، ثمرات و تأثیرات نیکویی نیز داشته است؛ به عنوان

۱. منظور از «حاشیه‌ای بودن» فقه، سبکی است که اندیشمندان متأخر بر محوریت آثار گذشتگان، دیدگاه‌ها و نظرات خود را مطرح می‌کنند. بی‌شک در این سبک علمی، آگاهی از نظرات و یافته‌های پیشینیان، امری عادی و قابل انتظار است.

۲. واژه‌نامه‌ی الطراز الأول سید علیخان مدنی درصد پابینی از موافقت را دارد که البته با توجه به ناقص بودن آن و مشخص نبودن دیدگاه ایشان در بیشتر واژه‌های بررسی شده، نمی‌توان درباره‌ی این واژه‌نامه نظری داد.

نمونه دربارهٔ واژه‌های شاکله و حرج، که بیشتر قرآن پژوهان از دیدگاه روایی بی‌خبر بوده‌اند، این تفسیر دیدگاهی مطابق با روایات برگزیده است. در میان واژه‌نامه‌ها نیز کتاب التحقیق وضعیتی مشابه تفسیر الفرقان دارد و اجتهاد در آن، عنصر تعیین‌کننده‌ای در فهم معنا است. در میان تمامی آثار بررسی شده، این واژه‌نامه کمترین درصد موافقت را دارد و حتی در واژه‌هایی؛ چون انفال و کعب، که جزو مشخصه‌های فقه شیعه هستند، دیدگاهی مخالف ارائه داده است.

۲-۲. احتجاج به کاربردهای روایی

معناکاوی در این رویکرد، کمی دشوار و نیازمند به شکل‌دهی مجموعه‌ای از روایات مشتمل بر یک واژه و فهم مؤلفه‌های معنایی مشترک و بنیادین آن است. محمد کاظمی با برگزیدن عنوان «نگرش مجموعی به آیات و احادیث» برای این روش برداشت معنا از روایات، به خوبی چند و چون این شیوه را توضیح داده است: «یک واژه، گاهی در یک حدیث و یا آیه و طبعاً یک شکل، و زمانی نیز در آیات و احادیث متعدد و اشکال گوناگون مورد توجه است. فعل، فاعل، اسم فاعل، اسم مفعول، مبتدا، خبر واقع شدن در جمله مثبت یا منفی، حامل بار ارزشی مثبت یا منفی بودن، می‌تواند از گونه‌های استعمال یک واژه در متن باشد. یک واژه در هر نوبت استعمال، پرتوی از معنای خود را بروز می‌دهد و آن‌گاه که این استعمالات افزایش یافت، این بروز، به طرف ظهور در یک معنای خاص به پیش می‌رود تا وقتی که بخش مهمی از زوایای مبهم لفظ در دسترس قرار گیرد. نگرش مجموعی به آیات و روایاتی، که واژه مورد نظر را در خود گنجانده‌اند، می‌تواند در فهم زوایای مبهم لفظ و فهم دقیق و نهایی واژه، تأثیر زیادی داشته باشد». (کاظمی، ۱۳۸۹: ۶۸). همچنین بنگرید به: بابایی، ۱۳۷۹: ۲۹۴

شیوه‌های معناکاوی از روایات بیش از هر چیز، باز بسته به استقرا و یا دسترسی به کاربردهایی ویژه است که پرده از معنای واژه بردارد و این، بدون بهره‌گیری از نرم‌افزارها و ابزارهای کاوش متون، کاری بسیار دشوار و نیازمند تسلط بر روایات و انس بسیار با آن‌ها

است؛ از این رو جای شگفتی ندارد که قرآن پژوهان شیعی هنگام پژوهش‌های لغوی، بیش از هر چیز به واژه‌نامه‌هایی اتکا کنند که با کمترین دردسر، معنا را در اختیار مخاطبان‌شان می‌گذارد و گرایش به روایات لغوی به دلیل نبود تألیفی جامع در این زمینه، اندک و استشهاد به کاربردهای زبانی روایات، بسیار کمتر باشد.

البته شاید بتوان برخی چالش‌های نظری را نیز در اقبال کم‌عالمان به این روش معناپژوهی مؤثر دانست: نخست باور به حجیت اقوال لغویان و خبرگی ایشان در فهم معانی عصر نزول و دوم، نامعتبر شمردن و اصیل ندانستن کاربردهای زبانی اهل بیت علیهم‌السلام به دلیل شکاف زمانی ایشان با آن عصر؛ باین همه اگرچه عامل نخست، بهره‌گیری از واژه‌نامه را در پی داشته است، عامل دوم چندان موجه نمی‌نماید و عدم گرایش به معناشناسی روایی را باید در همان دشواری دسترسی به منابع روایی-لغوی دانست؛ چراکه نه تنها نگارندگان به هیچ اظهار نظری پیرامون بی‌اعتباری استشهاد لغوی به روایات اهل بیت علیهم‌السلام دست نیافته‌اند، بلکه نمونه‌هایی از این گونه احتجاج به روایات را می‌توان در آثار برخی قرآن‌پژوهان مشاهده کرد.

روایات اهل بیت علیهم‌السلام در لغت‌نامه مجمع البحرین، به عنوان یک غریب‌الحديث شیعی، گرچه نمودی روشن دارد، نقش روایت در این اثر، نه به مثابه شاهد و دلیل لغوی، بلکه به منظور شرح و تبیین مفردات خود روایات است. احادیث شیعی در الطراز الأول نیز محدود به همان روایات مجمع البحرین و با همان سبک است؛ اما در میان واژه‌نامه‌های شیعی می‌توان از سه اثر نام برد که به خوبی توانسته‌اند از روایات اهل بیت علیهم‌السلام در فرایند معناشناسی بهره‌جسته و نه تنها برخی خلأهای موجود در عملکرد لغویان را جبران کنند، بلکه گاه بر پایه آن روایات، اختلافات لغوی را سامان داده و یا دیدگاه‌های اهل لغت را به نقد کشند. در ادامه، گزارشی کوتاه از دستاوردهای این واژه‌پژوهان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و سرآمدان معناشناسی روایی ارائه می‌شود. هدف اصلی از این گزارش، نقد و راستی‌آزمایی دیدگاه‌های این واژه‌پژوهان و بررسی حقیقت معنایی واژگان قرآنی پیش رو نیست؛ بلکه هدف، تنها آن است که از این رهگذر، ریشه‌دار بودن رویکرد معناشناسی روایی در سنت

واژه پژوهی دانشوران امامیه نشان داده شده و کارآمدی عمیق و گسترده آن اثبات شود.

۲-۲-۱. فروق اللغات

سید نورالدین جزائری شوشتری (د. ۱۱۵۸ق)، محدث، ادیب و لغوی بزرگ شیعه و فرزند بزرگ محدث نام‌آور شیعه، سید نعمت‌الله جزائری، در کتاب ارزشمند *فروق اللغات فی التمییز بین مفاد الکلمات*^۱ - که به موضوع *فروق اللغه* و تفاوت‌های معنایی واژگان مترادف نما می‌پردازد - توانسته است به دلیل تسلط بر منابع روایی شیعه؛ به ویژه *صحیفه سجادیه* به دستاوردهای بدیعی در معناشناسی این نوع واژگان برسد و نشان دهد که مانند بسیاری دیگر، به تکرار اقوال لغویان پیشین بسنده نکرده است.^۲

مرحوم جزائری «قنوط» را شدیدتر از «یأس» می‌داند (عسکری و جزائری، ۱۴۱۲: ۴۳۶) و به این عبارت از حضرت سجاد علیه السلام استناد می‌کند: «تَفَعَّلَ ذَلِكَ يَا إِلَهِي بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْكَ أَكْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فِيكَ، وَ بِمَنْ يَأْسُهُ مِنَ النَّجَاةِ أَوْ كُذِّبَ مِنْ رَجَائِهِ لِلْخَلَاصِ، لَا أَنْ يَكُونَ يَأْسُهُ قُنُوطًا، أَوْ أَنْ يَكُونَ طَمَعُهُ اغْتِرَارًا». (علی بن الحسین علیه السلام، ۱۳۷۶: ۱۷۰)

او همچنین با استناد به روایتی از امام رضا علیه السلام «ابتداء» را به معنای «ایجاد کردن بدون علت» و «اختراع» را «ایجاد کردن از هیچ چیز» می‌داند. (عسکری و جزائری، ۱۴۱۲:

۱. کتاب *فروق اللغات* در سال ۱۳۸۰ق در نجف با تحقیق اسدالله اسماعیلیان و زیر نظر انتشارات دار الکتب العمليه به چاپ رسیده؛ اما چاپ‌های دیگری نیز از این کتاب در دست است، که در این میان کتاب *معجم الفروق اللغویة* بیش از دیگر چاپ‌ها در دسترس است. این کتاب در سال ۱۴۱۲ق با تحقیق بیت‌الله بیات به وسیله انتشارات جامعه مدرسین قم و با عنوان *معجم الفروق اللغویة؛ الفروق اللغویة بترتیب و زیاده* به زیور طبع آراسته شده و شامل دو کتاب *الفروق اللغویة* از ابوهلال عسکری و *فروق اللغات* سید نورالدین جزائری با ترتیبی جدید است. در این جستار، به همین نسخه اخیر ارجاع داده شده است.

۲. جزائری در جای‌جای کتاب *فروق اللغات* به کم‌کاری اهل لغت و تفاوت نگذاشتن ایشان بین واژگان قریب‌المعنی اشاره می‌کند، (از جمله بنگرید به: عسکری و جزائری، ۱۴۱۲: ۷، ۶۵، ۱۱۱، ۱۸۱، ۲۰۳، ۲۳۷، ۲۶۲، ۲۸۵، ۳۳۲، ۴۳۳، ۴۶۳، ۵۳۸، ۵۴۲، ۵۵۰ و بسیاری صفحات دیگر).

۹) در این روایت چنین آمده است: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدٍ قَالَ: جِئْتُ إِلَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسْأَلُهُ عَنِ التَّوْحِيدِ فَأَمَلَى عَلَيَّ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ الْأَشْيَاءِ أَنْشَاءً وَ مُبْتَدِعِهَا ابْتِدَاءً بِقُدْرَتِهِ وَ حِكْمَتِهِ لَا مِنْ شَيْءٍ فَيَبْطُلُ الْإِخْتِرَاعُ وَ لَا لِعِلَّةٍ فَلَا يَصِحُّ الْإِبْتِدَاعُ». (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۹۸. همچنین بنگرید: کلینی، ۱۴۲۹/۱: ۲۵۶)

جزایری می نویسد: «گفته شده است توبه به معنای پشیمانی از کرده‌های پیشین است و انابه، ترک کردن گناهان پیش رو». (عسکری و جزائری، ۱۴۱۲: ۱۴۶) او چنین ادامه می دهد: «این سخن با گفته‌ای از سیدالساجدین علیه السلام در صحیفه شریفه تأیید می شود: اللَّهُمَّ إِنْ يَكُنِ النَّدْمُ تَوْبَةً إِلَيْكَ فَأَنَا أَنْدَمُ النَّادِمِينَ، وَإِنْ يَكُنِ التَّرْكُ لِمَعْصِيَتِكَ إِنْابَةً فَأَنَا أَوْلُ الْمُئِنِّيِينَ». (علی بن الحسین علیه السلام، ۱۳۷۶: ۱۴۶)

او همچنین در تفاوت بین «حرث» و «زرع» می گوید: «حرث پاشیدن دانه‌های خوراکی در زمین است؛ اما زرع رویدن گیاه تا هنگام رسیدن آن است». (عسکری و جزائری، ۱۴۱۲: ۱۸۱) جزایری برای این گفته خویش، نخست به آیه مبارکه ﴿أَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ﴾ (واقع / ۶۴) اشاره کرده، سپس به روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تمسک می جوید: «لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ زَرَعْتُ وَ لِيَقُلَّ حَرَثْتُ». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۰ / ۶۳)^۱

برخی «صدقه» را «عطیه» ای دانسته‌اند که پرداخت کننده، امید پاداش و بازگشت آن را دارد و به این ترتیب، بین این دو واژه تفاوت نهاده‌اند: که قال النیسابوری: يمنع العلماء أن يقال: اللهم تصدق علينا، بل يجب أن يقال: اللهم أعطني، أو تفضل علي، و ارحمني، لأن الصدقة يرجى بها الثواب عند الله، و هو مستحيل في حقه جل شأنه؛ اما سید نورالدین جزایری با استناد به دعای «وَ تَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَافِيَتِكَ» (علی بن الحسین علیه السلام، ۱۳۷۶: ۱۱۲)، این دیدگاه را نادرست می شمارد و می افزاید که فاذا ورد ذلك في كلام

۱. در روایتی دیگر چنین آمده است: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَزْرَعَ زَرْعًا، فَخُذْ قَبْضَةً مِنَ الْبَذْرِ، وَ اسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ، وَ قُلْ: ﴿أَفْرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ* أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ﴾ (واقع / ۶۳-۶۴) ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ تَقُولُ: بَلِ اللَّهُ الزَّارِعُ، ثَلَاثَ مَرَّاتٍ». (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۰ / ۳۷۷)

المعصوم فلا عبرة بكلام غيره؛ یعنی هنگامی که چنین کاربردی در سخنان معصوم استفاده شده است، دیگر نباید به سخنان دیگران توجهی نمود. (عسکری و جزائری، ۱۴۱۲: ۳۱۲).

پیرامون تفاوت دو واژه «دین» و «مِلَّة»، تفتازانی باور دارد که دین به الله، انبیا و تمامی ائمه اضافه می‌گردد؛ اما واژه مِلَّة تنها در جایگاه مضاف برای انبیا و ائمه قرار می‌گیرد. راغب دیدگاهی محدودتر را برمی‌گزیند و معتقد است که مِلَّة تنها به انبیا اضافه می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۷۳)؛ مانند آیه مبارکه «فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا». (آل عمران / ۹۵) در داوری میان این دو دیدگاه، جزایری با توجه به روایاتی؛ مانند «وَاجْعَلْنِي عَلَى مِلَّتِكَ أَمْوُتَ وَأَحْيَا» (علی بن الحسین ع، ۱۳۷۶: ۹۸) و «اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمٍ فَظَرْنَا الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ عِيدًا وَسُرُورًا، وَلِأَهْلِ مِلَّتِكَ مَجْمَعًا وَمُحْتَشِدًا» (همان، ۲۰۲) نشان می‌دهد که برخلاف هر دو نظر، واژه مِلَّة به خداوند متعال نیز اضافه شده است؛ از این رو در اتقان رویکرد معناشناسی روایی چنین می‌گوید: «فإذا وقع ذلك في كلام المعصوم، وهو منبع البلاغ و معدن الفصاحة والبراعة، فتحقيق التفتازاني لا حقيقة له، وكلام الراغب لا يرغب فيه؛ چون چنین استعمالی در کلام معصومی به کار رفته است که منبع بلاغت و معدن فصاحت و دانش و فضیلت است، رأی تفتازانی حقیقتی ندارد و سخن راغب را گرایش بدان نیست». (عسکری و جزائری، ۱۴۱۲: ۵۱۰).^۱

۱. دیگر موارد استنادات لغوی جزایری به روایات از این قرارند: المثل والنّد (ص ۵۳۶)؛ الأخطاء والنخطاء (ص ۲۲۰)؛ الإملاء والاستدراج (ص ۷۲)؛ الحشر والنشر (ص ۱۸۹)؛ الثمن والقيمة (ص ۴۴۰)؛ التتابع والتواتر (ص ۱۱۶)؛ البخل والشح (ص ۲۹۵)؛ الإكراه والجبر (ص ۵۰)؛ الأجر والثواب (ص ۱۷)؛ الأب والولد (ص ۵۶۶)؛ الإسراف والتبذير (ص ۱۱۴)؛ المعرفة والعلم (ص ۵۰۱)؛ الجود والكرم (ص ۱۷۱)؛ الخشوع والخضوع (ص ۲۱۶)؛ الرحمن والرحيم (ص ۲۴۲)؛ الكتمان والستر (ص ۴۴۸)؛ النعت والوصف (ص ۵۴۵)؛ الحلال والطيب (ص ۱۹۵)؛ العقل والنفس والروح (ص ۵۱۹)؛ الحنان والمنان (ص ۲۰۴)؛ المرجع والمصير (ص ۴۹۲)؛ الحول والقوة (ص ۲۰۴)؛ التقوى والطاعة (ص ۷۳)؛ الحلم والرؤيا (ص ۱۹۸)؛ السن والضرس (ص ۲۸۵)؛ المداهنة والتقية (ص ۴۸۹)؛ الرفعة والعلو (ص ۲۵۸)؛

۲-۲-۲. قاموس قرآن

کتاب قاموس قرآن نگاشته سید علی اکبر قرشی بنایی، یکی دیگر از فرهنگ‌های واژگانی است که در آن، روایات اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان بنیان‌های استدلال لغوی نقش ایفا می‌کند. این رویکرد قرشی که در تفسیر *أحسن الحدیث* او نیز تا حدی منعکس شده است، به دلیل تسلط او بر کتاب شریف *نهج البلاغه*، بیش از هر چیز بر پایه روایات سیدالبلغا، امیرالمؤمنین علیه‌السلام بنا شده است. قرشی که آثاری؛ چون مفردات *نهج البلاغه* و *المعجم المفهرس لالفاظ الصحیفة السجادیة* را نیز به نگارش درآورده است، در قاموس قرآن بارها با تکیه بر فرازهایی از *نهج البلاغه*، میان اقوال لغویان داوری کرده و برخی گفته‌های بی پایه ایشان را به رخشان کشیده است.

او با استناد به سخنانی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام، «جلباب» را ملحفه و لباس بالایی و چادرمانند می‌داند و نه فقط روسری و خمار. (قرشی، ۱۴۱۲: ۲/۴۱)

قرشی بر پایه بخشی از خطبه ۳۹ که می‌گوید «أَمَا دینٌ یَجْمَعُکُمْ وَ لَا حَمِیَّةَ تُحْمِسُکُمْ؛ آیا دینی نیست که شما را متحد کند؟ غیرتی ندارید که شما را به حرکت درآورد؟» (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۸۲) می‌نویسد: «حمیت در صورتی مذموم است که درباره باطل و ناحق باشد و اگر از حق باشد مرغوب و پسندیده است». (قرشی، ۱۴۱۲: ۲/۱۸۶) او با این توضیح در پی آن است که برداشت رایج درباره واژه حمیت را که برآمده از تک‌کاربرد آن در قرآن با تعبیر «حَمِیَّةَ الْجَاهِلِیَّةِ» (فتح / ۲۶) است، اصلاح کرده و دخالت مؤلفه معنایی «جهالت» در مفهوم این واژه را به نقد کشد.

راغب واژه «خرق» را به معنای «قطع الشیء علی سبیل الفساد من غیر تدبّر و لا تفکر» می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۷۹)؛ اما نویسنده قاموس قرآن معتقد است: «در معنی خرق، قید فساد لازم نیست چنان‌که راغب گفته؛ بلکه اعم است زیرا... در *نهج البلاغه* خطبه ۱۰۶، درباره علم خدا آمده: «خَرَقَ عِلْمُهُ بَاطِنَ غَیْبِ السُّرَاتِ؛ علم خدا باطن

پوشیده‌ها را شکافته است»، پیداست که در اینجا و امثال آن، قید بدون رویه و قید فساد جاری نیست». (قرشی، ۱۴۱۲: ۲/ ۲۳۸)

او همچنین درباره «غَضَّ بَصْرًا» می‌گوید: «غَضَّ بَصْرَهُ بِمَعْنَى بَسْتِنِ عَيْنِ بَصْرًا» هیچ چیز را نبیند؛ بلکه کوتاه کردن چشم است و به عبارت دیگر، ورنه از نکرده است. در نهج البلاغه خطبه ۱۱، در ضمن دستور حمله به محمد حنفیه چنین آمده: اِزْمِ بِبَصْرِكَ أَفْصَى الْقَوْمِ وَ غَضَّ بَصْرَكَ؛ نگاهت را به انتهای قوم بیفکن و همه حرکاتشان را زیر نظر بگیر و نگاهت را بخوابان». (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۵۵) پیداست منظور آن نیست که چشمت را ببند و با چشم بسته حمله کن؛ بلکه از نگاه به کثرت و سلاح آن‌ها که باعث سستی‌ات شود، چشم بگیر. (قرشی، ۱۴۱۲: ۵/ ۱۰۴)

او همچنین دیدگاه کسانی که کاربرد «نطفه» را مختص «آب قلیل» می‌دانند (ابن درید، ۱۹۸۸: ۲/ ۹۲۱؛ عسکری، ۱۴۰۰: ۳۰۷؛ ابن سیده، ۱۴۲۱: ۹/ ۱۸۶؛ ازدی، ۱۳۸۷: ۳/ ۱۲۶۰) نمی‌پذیرد؛ چراکه این واژه برای اشاره به رود نهروان (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۹۳) و فرات نیز (همان، ۸۷) به کار رفته است. (قرشی، ۱۴۱۲: ۷/ ۷۸)

قرشی «ثری» را به معنای مطلق خاک می‌داند و می‌نویسد: «ارباب لغت آن را خاک تر معنی کرده‌اند، در مجمع و أقرب الموارد، خاک مرطوب گفته‌اند و غیر آن معنا نیز آمده است؛ ولی از نهج البلاغه روشن می‌شود که معنی آن مطلق خاک است... در نهج البلاغه آمده: «وَيَطُولُ فِي الثَّرَى حُلُولُهَا» (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۳۴۶)، «وَدُفِنَتْ تَحْتَ الثَّرَى» (همان، ۴۱۴)، «وَأَكَلَتْهُمْ الْجَنَادِلُ وَ الثَّرَى» (همان، ۳۴۹). (قرشی، ۱۴۱۲: ۱/ ۳۰۵)

روش قرشی در قاموس قرآن نشان از آن دارد که او جایگاه روایات را برتر از نظرات اهل لغت دانسته و نه تنها در جایی که لغویان اختلاف کرده‌اند، بلکه با تکیه بر روایات، اجماع اهل لغت را نیز به چالش کشیده است. نویسنده قاموس قرآن بیش از آنچه گذشت، از احادیث برای فهم مفردات قرآن بهره‌مند شده است؛ چنان‌که مروری بر این کتاب ارزشمند، می‌تواند الگویی برای مشتاقان پیوند حقیقی ثقلین باشد. (از جمله بنگرید به: همان، ۱/ ۱۷۵، ۱۷۹، ۲۴۵ و ۲۵۶: ۲/ ۵، ۱۷، ۲۶۲ و ۳۰۵: ۳/ ۳۴۴ و ۳۵۱: ۵/ ۲۶۰)

۲-۲-۳. مفردات الراغب مع ملاحظات العاملی

از دیگر سرآمدان رویکرد معناشناسی روایی، آیت الله علی کورانی عاملی، پژوهشگر تاریخ و مذاهب اسلامی است. او که اهل لبنان بوده و زمینه اصلی پژوهش هایش در عرصه مهدویت و ظهور است، در کتاب کم نظیر و گران سنگ مفردات الراغب الإصفهانی مع ملاحظات العاملی به ارزیابی عملکرد راغب پرداخته و کتاب او را از آغاز تا پایان نقد کرده است. این اثر کورانی بیش از هرواژه نامه دیگری از احادیث اهل بیت علیهم السلام برای نقد دیدگاه های لغویان و فهم معانی واژگان قرآن بهره گرفته است. گرچه بخش عمده این تلاش مبتنی بر «روایات لغوی» است؛ اما وی به کاربردهای یک واژه در دل احادیث نیز توجه داشته و کم نیستند، مواردی که کاربردهای زبانی اهل بیت علیهم السلام پایه های استدلال های او را شکل می دهند. در ادامه به گوشه ای از تلاش او در این زمینه اشاره می شود:

کورانی عاملی در نقد گفته راغب که «ایل» را در واژگانی چون «جبرئیل» و «میکائیل» به معنای «خدا» نمی داند، می نویسد: «أخطأ الراغب فی نفيه أن يكون إيل إسماً لله تعالى ، فقد وردت به الرواية و نص عليه اللغويون، ففي علل الشرائع عن الإمام الصادق عليه السلام قال: وَيَعْقُوبُ هُوَ إِسْرَائِيلُ وَمَعْنَى إِسْرَائِيلَ عَبْدُ اللَّهِ لِأَنَّ إِسْرَاءَ هُوَ عَبْدٌ وَإِيلَ هُوَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ». (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۴۳/۱؛ راغب اصفهانی و کورانی، ۱۴۳۴: ۶۷)

ابن فارس اصل معنایی ریشه «تب» را «خسران» می داند؛ از این رو در درستی کاربرد «استتَبَّ الأمر إذا تهيأ» تردید می کند، چراکه در این صورت، این ریشه باید دو اصل معنایی داشته باشد: خسران و استقامت (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱/۳۴۱)؛ اما کورانی این تردید ابن فارس را با اشاره به کاربرد آن در سخنان حضرت سجاد عليه السلام، بی جا می داند: «حَتَّى اسْتَتَبَّ لَهُ مَا حَاوَلَ فِي أَعْدَائِكَ وَاسْتَتَمَّ لَهُ مَا دَبَّرَ فِي أَوْلِيَائِكَ». (علی بن الحسین عليه السلام، ۱۳۷۶: ۳۴؛ راغب اصفهانی و کورانی، ۱۴۳۴: ۱۶۶)

از آنجا که راغب حقیقت «معرفه» را «ادراک همراه با تفکر و تدبر» می داند، مدعی است که «الله يعلم» گفته می شود؛ اما «الله يعرف» کاربرد ندارد. دلیل این امر آن است که معرفت

به دانش‌های کوتاه و قاصری اشاره دارد که با تفکر به دست می‌آیند. این سخن راغب چنان‌که آیت‌الله کورانی نشان می‌دهد، نادرست است و در موارد بسیاری در روایات، معرفت به باری تعالی نسبت داده شده است؛ از جمله: «سُبْحَانَكَ! مِنْ لَطِيفِ مَا أَلْطَفَكَ، وَرُؤُوفِ مَا أَرْأَفَكَ، وَحَكِيمِ مَا أَعْرَفَكَ!» (علی بن الحسین علیه السلام، ۱۳۷۶: ۲۱۲)؛ «وَقَدْ أَحْصَيْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ، وَأَشْرَفْتَ عَلَيْهِمْ بِقُدْرَتِكَ» (همان، ۱۲۸) و «... فَإِنَّ ذَلِكَ يَجْزِي عَنْهُ إِذَا عَرَفَ اللَّهُ مِنْهُ الْجَهْدَ» (طوسی، ۱۳۹۰: ۲/۱۴۹).

لغویان واژه «مغفرة» را به معنای «پوشاندن» دانسته‌اند: «وَأَصْلُ الْغَفْرِ التَّغْطِيَةُ» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۴/۴۰۷)؛ اما آیت‌الله علی کورانی با استناد به عباراتی بلیغ از امیرالمؤمنین علیه السلام باور دارد که معنی مغفرت چیزی بیش از سترو پوشاندن است و «محو و پاک کردن آثار بد و منفی» نیز در مغفرت و غفران در نظر گرفته شده است: «الْحَدَّرَ الْحَدَّرَ فَوَاللَّهِ لَقَدْ سَتَرَ حَتَّى كَأَنَّهُ قَدْ غَفَرَ». (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۴۷۲)؛ راغب اصفهانی و کورانی، ۱۴۳۴: ۵۴۷).

راغب اصل معنایی ریشه «ق ت ر» را از «فَتَرَ» به معنای غبار و دود می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۶۵۵)؛ اما کورانی دیدگاه دیگری دارد: «وَالصَّحِيحُ أَنَّهُ مِنَ الضِّيْقِ وَأَنَّهُ اسْتَعِيرَ لِلْغَبَارِ، وَبِهِ قَالَ ابْنُ فَارَسٍ، وَهُوَ مُطَابِقٌ لِتَفْسِيرِ أَهْلِ الْبَيْتِ عليهم السلام، أَفْصَحُ مِنْ نَطْقِ بِالضَّادِ وَأَعْلَمُهُمْ بِالْعَرَبِيَّةِ». (راغب اصفهانی و کورانی، ۱۴۳۴: ۵۸۳) از نظراو، راغب در بخشی دیگر از معناشناسی این واژه نیز راه به صواب نبرده است. راغب چنین می‌نویسد: «الْقَتْرُ: تَقْلِيلُ التَّفَقَّةِ، وَهُوَ بِإِزَاءِ الْإِسْرَافِ، وَكِلَاهِمَا مَذْمُومَانِ» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۶۵۵)؛ اما کورانی باور دارد که تقتیر به معنای مطلق تقلیل است، بدون آنکه معنای مدح

۱. در چاپ دوم (۲۰۱۶م) کتاب مفردات الراغب الإصفهانی مع ملاحظات العاملی نکات و ملاحظات بیشتری منعکس شده است. این مورد نیز تنها در این نسخه ذیل ریشه «عرف» آمده است. متأسفانه نگارنده نتوانست به نسخه مکتوب این اثر دست یابد و تنها به نسخه‌ای الکترونیکی آن در سایت آیت‌الله کورانی دسترسی پیدا کرد.

یا ذم در آن در نظر گرفته شده باشد؛ چراکه در روایات، تقطیر به خداوند متعال و نیز ذریه پیامبر ﷺ او نسبت داده شده است؛ از جمله: «إِنَّمَا نَتَدَبَّرُ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَإِذَا وَسَّعَ عَلَيْنَا وَسَّعْنَا، وَإِذَا قَتَّرَ عَلَيْنَا قَتَّرْنَا» (کلینی، ۱۴۲۹: ۳۲۲/۱۲؛ راغب اصفهانی و کورانی، ۱۴۳۴: ۵۸۴)¹.

۲-۲-۴. تحلیل و بررسی

رهیافت این سه دانشور لغوی شیعه در استشهاد لغوی به روایات اهل بیت علیهم السلام چنین خلاصه می‌شود:

جدول (۴). آمار استشهاد لغوی به روایات اهل بیت علیهم السلام

ملاحظات العاملی	قاموس قرآن	فروق اللغات	تعداد استشهاد لغوی
حدود ۳۰ ^۲	۳۹	۳۵	
۹۹۵	۲۰۷۲	۲۷۲	تعداد مدخل‌ها

مهم‌ترین منبع مرحوم جزایری در این ۳۵ مورد، صحیفه سجادیه بوده است، به گونه‌ای

۱. در تأیید گفته‌ی راغب می‌توان مراد او را مذموم دانستن قتر برای انسان دانست، نه آنکه ذم در مفهوم قتر دخیل است؛ چنان‌که کبر صفتی مذموم برای آدمی است و در عین حال در قرآن کریم، خداوند متعال «متکبر» خوانده می‌شود. (حشر/ ۲۳) همچنین برخی دیگر از نمونه‌های استشهاد لغوی به روایات در ملاحظات عاملی، از این قرار است: «أشْر» ص ۶۳؛ «أَصَار» ص ۶۴؛ «تَبْذِير» ص ۱۰۶؛ «إِبْلِيس» ص ۱۴۱؛ «بَلِي» ص ۱۴۶؛ «زَيْغ» ص ۳۷۲؛ «كَاد» ص ۶۴۴؛ «لَوَاذ» ص ۶۶۰؛ «نَحْب» ص ۶۹۸؛ «هَلَك» ص ۷۴۰؛ «وَدَق» ص ۷۵۵ و از چاپ دوم (نسخه الکترونیکی پیش‌گفته) رجوع کنید به ملاحظات ایشان در ذیل ریشه‌های «حَسَن، ذُو، زَوْج و قَدَم».

۲. روایات اهل بیت علیهم السلام در ملاحظات کورانی بسامد بالایی دارد؛ اما عمده این روایات به سه دلیل ذیل مطرح شده‌اند: تنها برای کاربرد واژه مدنظر در روایت، بیان نکته‌ای تفسیری، و یا اینکه روایات لغوی‌اند. در این میان، یافتن روایاتی که به آن‌ها استشهاد لغوی شده باشد، کمی دشوار و نیازمند مطالعه ریزبینانه این اثر است که نگارنده تاکنون به این مهم دست نیافته است و این آمار، برآوردی است که با نگاهی گذرا به این اثر به دست آمده است.

که در دوازده مورد، استناد ایشان به این کتاب شریف است. در قاموس قرآن، نهج البلاغه جلوه‌ای چشمگیر دارد و تنها در ۹ مورد به روایات دیگر منابع شیعی احتجاج شده است. اما استشهادهای آیت الله کورانی گوناگون بوده و به منبعی ویژه تکیه ندارد.

نتیجه

از مجموع آنچه گذشت، آشکار شد که قرآن پژوهان امامیه از دیرباز تا کنون، همواره به روایات لغوی اهل بیت علیهم‌السلام توجهی ویژه داشته‌اند. بررسی‌های صورت گرفته درباره چند کلیدواژه، که دیدگاه روایی در آن‌ها تفاوتی جدی با نظرات اهل لغت داشت، نشان‌دهنده آن بود که قرآن پژوهان شیعه؛ اعم از فقها و مفسران و لغویان، غالباً رهیافتی همسو و همدل با روایات لغوی داشته‌اند و در بیشتر مواردی، که به روایتی لغوی دست یافته‌اند، از آن یاد کرده و در صورت تعارض روایت با اقوال لغویان، تعارض را حل کرده یا دیدگاه روایی را ترجیح داده‌اند؛ البته در این میان، همراهی با برخی دیدگاه‌های روایی که تأثیری جدی در فقه و عقاید داشته و به عنوان شاخصه‌های مذهب شیعه به شمار می‌رفته، بیش از دیگر روایات لغوی بوده است. همچنین فقها نسبت به دیگر قرآن پژوهان به پذیرش روایات لغوی، اقبال بیشتری نشان داده‌اند.

درباره رهیافت قرآن پژوهان به دیگر رویکرد مطرح در زمینه معناشناسی روایی یعنی استشهاد و احتجاج به کاربردهای زبانی روایات، گرچه در گوشه و کنار آثار ایشان می‌توان نشانه‌هایی از توجه به این رویکرد را یافت، در مجموع ایشان به علت دشواری این شیوه نتوانسته‌اند از آن، بهره چندانی ببرند. در این میان سه واژه پژوه بزرگ شیعه، سید نورالدین جزایری، سید علی اکبر قرشی و علی کورانی عاملی، به این رویکرد توجه بسیاری داشته و کاربردهای روایی، نقش مهمی در فرایند معناپژوهی این بزرگان ایفا کرده است.

از این رو باید گفت که «معناشناسی روایی»، چیزی نوپیدا و بی سابقه نیست؛ بلکه باید آن را رویکردی در راستای سنت واژه پژوهی بزرگان شیعه به شمار آورد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ادریس، محمد بن احمد، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (والمستطرفات)*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، *التوحید*، جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، ۱۳۹۸ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، *علل الشرائع*، کتاب فروشی داورى، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۵. ابن درید، محمد بن حسن، *جمهرة اللغة*، دار العلم للملایین، بیروت، چاپ اول، ۱۹۸۸م.
۶. ابن سیده، علی بن اسماعیل، *المحکم والمحیط الأعظم*، تحقیق عبدالحمید هندادوی، دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۷. ابن فارس، احمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، چاپ اول، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.
۸. ازدی، عبدالله بن محمد، *کتاب الماء*، دانشگاه علوم پزشکی ایران - موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۷ش.
۹. بابایی، علی اکبر و دیگران، *روش شناسی تفسیر قرآن*، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.
۱۰. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم، *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، *تسنیم*، اسراء، قم، از ۱۳۷۸ش.
۱۲. خویی، سید ابوالقاسم، *منهاج الصالحین*، نشر مدینه العلم، قم، چاپ بیست و هشتم، ۱۴۱۰ق.
۱۳. خویی، سید ابوالقاسم، *موسوعة الإمام الخوئی*، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی رحمته الله، قم، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۱۴. راد، علی، «گونه شناسی احادیث تفسیری؛ از نظریه تا تطبیق»، *مجله تفسیر اهل بیت علیهم السلام*، سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۳۴-۶.
۱۵. راد، علی؛ دهقانی فیروزآبادی، حامد، «معناشناسی روایی قرآن، چیستی و مبانی اعتبار»، *پژوهش نامه علوم حدیث تطبیقی*، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، شماره ۱۱، ص ۱۴۷-۱۶۸.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ کورانی عاملی، علی، *مفردات ألفاظ القرآن*، راغب اصفهانی، حسین بن محمد، دار القلم، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۱۷. رایف، دانیل و دیگران، *تحلیل پیام های رسانه ای: کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق*، ترجمه مهدخت بروجردی علوی، سروش، تهران، ۱۳۸۵ش.

۱۸. شریف الرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغة*، تصحیح صبحی صالح، دار الهجرة، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۱۹. شهید ثانی، زین الدین بن علی، *حاشیة الإرشاد*، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۲۰. شهید ثانی، زین الدین بن علی، *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*، مؤسسة المعارف الإسلامية، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۲۱. صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، انتشارات فرهنگ اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۵ش.
۲۲. طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷ق.
۲۳. طباطبایی، سید محمدکاظم، «نقش روایات در فهم آیات»، *علوم حدیث*، بهار و تابستان ۱۳۸۴، شماره ۳۵ و ۳۶، بهار و تابستان ۱۳۸۴، ص ۳۰۳ - ۳۲۷.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، مقدمه محمدجواد بلاغی، ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۲۵. طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرین*، تحقیق: السید احمد الحسینی، مرتضوی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
۲۶. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، *الخلافة*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۲۷. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، *المبسوط فی فقه الإمامیة*، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.
۲۸. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، *الإستبصار فیما اختلف من الأخبار*، دار الکتب الإسلامية، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰ق.
۲۹. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، مقدمه شیخ آغا بزرگ تهرانی، تحقیق احمد قصیرعاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۷۶.
۳۰. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، *النهاية فی مجرد الفقه والفتاوى*، دار الکتب العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۰ق.
۳۱. عسکری، ابو هلال، *الفروق فی اللغة*، دار الآفاق الجديدة، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۰ق.
۳۲. عسکری، ابو هلال و سید نورالدین جزایری، *معجم الفروق اللغویة (الفروق اللغویة بترتیب و زیادة)*، تحقیق الشیخ بیت الله بیات، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم، قم، الطبعة الأولى، ۱۴۱۲ق.
۳۳. علامه حلّی، حسن بن یوسف، *مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة*، دفتر انتشارات اسلامی

- وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۳۴. علی بن الحسین امام چهارم علیه السلام، *الصحیفة السجادية*، نشر الهادی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
۳۵. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، مکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۰ش.
۳۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، نشر هجرت، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۳۷. قرشی بنایی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ ششم، ۱۴۱۲ق.
۳۸. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، دارالکتاب، قم، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
۳۹. کاظمی، محمد، «نقش متون دینی در تبیین معانی واژگان روایت»، *علوم حدیث*، سال ۱۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۹، ص ۶۲-۷۸.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الکافی*، دارالحدیث، قم، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
۴۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۴۲. محقق حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن، *المعتبر فی شرح المختصر*، مؤسسه سید الشهداء علیه السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۴۳. محقق حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*، مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
۴۴. مدنی، علی خان بن احمد، *الطراز الأول*، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، مشهد مقدس، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
۴۵. معین، محمد، *فرهنگ فارسی معین*، امیرکبیر، تهران، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۹۳ش.
۴۶. الکورانی العاملی، علی (توشیحگر)، مفردات الراغب الإصفهانی مع ملاحظات العاملی، دار المعروف، قم، چاپ اول، ۱۴۳۴ق.
۴۷. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
۴۸. ملکیان، مصطفی، «روش شناسی در علوم سیاسی»، *علوم سیاسی*، دانشگاه باقر العلوم، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۸۰، ص ۲۷۳-۲۹۲.
۴۹. نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.
۵۰. هولستی، ال. آر، *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، ترجمه نادر سالارزاده امیری، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۰ش.